

## یورش آشکار و گسترده شورای نگهبان ارتجاع، و ضرورت گسترش اعتراضات مردمی

نشده و بدون مشورت در عالی ترین سطوح ارتجاع حاکم، یعنی ولی فقیه، رئیس قوه قضائیه، رئیس مجلس خبرگان و رئیس مجلس «تشخیص مصلحت نظام» صورت گرفته باشد، ده ها تن از نمایندگان مجلس، با تحصن در مجلس اعتراض شدید خود را به این اقدام غیر قانونی شورای نگهبان اعلام کردند. در دومین اطلاعیه صادر شده

همان طور که پیش بینی می شد شورای نگهبان ارتجاع با رد صلاحیت هزاران نفر از نامزدهای انتخابات هفتمین دوره مجلس، از جمله بیش از ۸۰ تن از نمایندگان کنونی مجلس، گام آشکار دیگری در راه تضییق حقوق مردم ما و خصوصاً حق انتخاب آنان برداشت. با اعلام خبر رد صلاحیت بیش از ۳ هزار نفر از نامزدهای انتخاباتی از سوی شورای نگهبان، که نمی توانست عملی حساب

ادامه در صفحه ۲



شماره ۶۷۸، دوره هشتم  
سال بیستم، ۳۰ دی ماه ۱۳۸۲



### منتشر شد

جزوه «سندیکاهای کارگری - ویژگی ها ساختار و کارکرد» که برگرفته شده از سلسله آموزش های سندیکایی توسط فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری است برای استفاده فعالان کارگری منتشر شد.

### با تصویب «ماده ۹۴» نظام صنفی:

### امنیت شغلی کارگران پایمال می شود!

اجرای شتابان سیاست اصلاح ساختار اقتصادی که، محور آن تأمین امنیت سرمایه و خصوصی سازی در کلیه عرصه هاست، حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان میهن ما را مورد تعرض همه جانبه قرار داده است. تصویب و اجرای لوایح مرتبط با این برنامه، به صورتی هدف مند امنیت شغلی میلیونها زحمتکش را در معرض نابودی کامل قرار داده است!

مصوبه جدید مجلس شورای اسلامی در خصوص حق بیمه تأمین اجتماعی یکی از آخرین اقدامات ضد کارگری رژیم ولایت فقیه به شمار می آید. چندی پیش در مجلس، ماده ۹۴ نظام صنفی که بخشی از طرح دولت منبی بر تشکیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی است، از تصویب نمایندگان گذشت و به شورای نگهبان فرستاده شد. بر پایه این ماده به اصطلاح قانونی، هزاران تن از کارگران صنف ها از

ادامه در صفحه ۲ و ۳

## راه سومی وجود ندارد! یا ایستادگی و گسترش مبارزه مردمی برای تحقق حق انتخابات آزاد، یا زبونی، سازش، تسلیم و شکست در برابر مرتجعان حاکم!

نمایندگان متحصن، از آنان خواستند که از تحصن خود دست بردارند و اجازه دهند تا از طریق «مذاکره با رهبر» مسایل حل شود. بر این اساس، روشن است که رهبری ارتجاع در مجموع به شدت نگران گسترش حیطه این حرکت اعتراضی و کشانده شدن آن به درون جامعه و نیروهای اجتماعی است. بحث بر سر حل مسایل در «چارچوب قانون» بحث تازه یی نیست. تاریک اندیشان حاکم در طول شش سال گذشته، با استناد به همین اهرم و به نام «قانون» هر کاری را که خواسته اند انجام داده اند. بسته شدن ده ها روزنامه، دستگیری، شکنجه و آزار ده ها روزنامه نگار، مبارز دگراندیش و نویسندگان همگی در «چارچوب قانون» رژیم ولایت فقیه بوده است، و رد تمامی لوایح مهم مجلس، از جمله لایحه حذف نظارت استصوابی، توسط شورای نگهبان، همه از طرق «قانونی» صورت گرفته است. اساساً در رژیم فقها «قانون» به مفهوم «دستورات و منویات» رهبر و یا نهادها و ارگان های منتسب و وابسته به اوست. بنابراین تلاش

حوادث روزهای اخیر ایران همچون بازی شطرنجی به سرعت به مراحل نهایی خود نزدیک می شود. با گذشت نه روز از تحصن نمایندگان مجلس، و گسترش حمایت قشرها و گروه های مختلف سیاسی و اجتماعی از این حرکت اعتراضی، مرتجعان حاکم با دشواری های زیادی برای «ختم غائله» روبه رو هستند. سید علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، با احساس خطر روبه گسترش نارضایی توده های وسیع مردم در سخنان دو پهلو و عوام فریبانه ای که هدفش اثبات بی طرفی او در این دعواها بود ضمن نصیحت ها و موعظه های بی محتوای همیشگی به استناداران معترض که با وی ملاقات می کردند گوشزد کرد که باید دست به اقدامات «غیر قانونی» نزد و در «چارچوب قانون» مسایل را حل کرد و در عین حال از شورای نگهبان ارتجاع که اکثریت قاطع اعضایش منصوبین خود او هستند خواست تا با عقب نشینی موضعی و موقت در رد صلاحیت های وسیعی که صورت داده است تجدید نظر کند. در همین روزها همچنین سید محمد خاتمی و کروبی با حضور در مجلس، و در جمع

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه با تصویب «ماده ۹۴» نظام صنفی...

پوشش بیمه خارج شده و بدون هیچ گونه حمایت «به امان خدا رها» می شوند.

استدلال نمایندگان مجلس و نیز تدوین کنندگان طرح فوق اینست که، با تشکیل وزارت نو بنیاد رفاه و تأمین اجتماعی، همه مردم و نه فقط کارگران تحت پوشش بیمه قرار خواهند گرفت، در عین حال یکی از منفی ترین نکات ماده ۹۴ نظام صنفی ممنوعیت هرگونه بازرسی از کارگاه ها است، به این معنی تا زمانی که کارگری از کارفرمای خود شکایت نکند و حق بیمه طلب نکند. هیچ ارگانی حق بازرسی از کارگاه های صنعتی \_ خدماتی را نخواهد داشت و کارفرمایان می توانند به دلخواه هر تصمیمی را بگیرند! پیش از تصویب این ماده ضد کارگری، سازمان تأمین اجتماعی این اختیار را به لحاظ قانونی دارا بود که، بصورت رسمی از کارگاه ها بازدید کرده و بازرسان آن گزارشات لازم را در باره حق بیمه تأمین اجتماعی تهیه و کارفرمایان را تحت فشار قرار دهند، اما اکنون به «همت» رژیم ولایت فقیه این اختیار سلب شده و قدرت «قانونی» کارفرما به شکلی چشم گیر افزایش یافته است. به این ترتیب سرمایه داران هیچ گونه منع قانونی، برای تنظیم روابط خود با کارگران ندارند و قانون نیز به سود آنان عمل می کند!

اینکه به دنبال خروج کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر از چارچوب قانون کار و رواج قراردادهای موقت، حق بیمه کارگران نیز از میان برداشته می شود تا تمام و کمال زمینه های جلب و جذب سرمایه خارجی و تأمین امنیت سرمایه فراهم آید. هرگاه کارگری به هر دلیل از کارفرمای خود شکایت کند، آنها با سلاح اخراج یا او را از ارایه شکایت منصرف و یا از کار اخراج می کنند و به این ترتیب به همه زحمتکشان نشان می دهند که، هر نوع "سرپیچی" از "مقررات قانونی" چه نتایجی برای آنها در پی خواهد داشت. در این باره یکی از نمایندگان مجلس و عضو کمیسیون اجتماعی آن با صراحت یاد آور گردیده: "چنانچه کارگران مجبور باشند برای اثبات مدت همکاری خود شکایت کنند با برخورد کارفرمایان روبرو شده و از کار اخراج می شوند." باید تصریح کنیم که، مصوبه جدید مجلس به سرمایه داران این امکان را می دهد به کوچکترین اقدامی برای بیمه کارگران دست نزنند. قانونی نیز برای اثبات دعوی کارگران وجود ندارد، زیرا اولاً کارگران شاغل در کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار خارج شده اند و دوم اینکه سازمان تأمین اجتماعی دیگر استقلال عمل ندارد و بازرسی از کارگاه ها بدون ارایه شکایت ممنوع است. این عوامل، زحمتکشان را با شرایطی بس دشوار روبرو می سازد و آنها باید فرمانبردار گوش بفرمان کارفرمایان باشند و فقط با امضاء قراردادهای موقت به کار مشغول شوند. واقعیت این است که، سیاست اصلاح ساختار اقتصادی بعنوان یکی از اصلی ترین برنامه های رژیم ولایت فقیه که مورد توافق کلیه جناح های آن است به شکلی هدف مند، تشکیل نیروی کار ارزان و مطیع را برای جلب و جذب سرمایه و عقد قرارداد با انحصارات فراملی دنبال می کند. تصویب ماده ۹۴ لایحه نظام صنفی کشور در مجلس، یکی از اجزاء این برنامه کلی می باشد و رابطه ای تنگاتنگ با لایحه جدیدی دارد که در هیات دولت در دست تهیه و تدوین است. در این مورد، محمد

خاتمی طی گفتگویی خاطر نشان ساخت: «دولت مصمم است و می کوشد با ارایه لایحه ای جدید (توجه کنید جدید) قانونی مستقل و جامع برای خصوصی سازی تهیه و با تجهیز امکانات و تقویت ساختار اجرایی خصوصی سازی، شرایط را به گونه ای فراهم کند که، ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور با این سیاست همراه و همگام شود. ... من معتقدم در بدنه دولت مقاومتی برای خصوصی سازی وجود ندارد...» وی در ادامه این گفتگو می افزاید. «اصولاً سرعت اجرای برنامه خصوصی سازی نه به دلیل رغبت یا مقاومت افراد و دستگاهها بلکه نیازمند ساختار اجرای کار آمد... و تحقق شرایط و پیش نیازهای اقتصادی - اجتماعی آن است ... باید کوشید سرعت خصوصی سازی از گذشته بیشتر و زمینه مناسب برای شتاب گرفتن فرآیند اجرایی و دستیابی به اهداف مورد انتظار آن افزایش یابد.»

این سخنان به خودی خود گویاست و نشان می دهد، برنامه های دیکته شده از سوی نهاد های قدرتمند سرمایه داری جهانی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، در آینده با شتابی بیش از امروز و در نتیجه پیامد های دردناک وسیع تر به مورد اجرا گذاشته می شوند. نابودی امنیت شغلی کارگران برای تأمین امنیت سرمایه یکی از پیامد های شتاب گرفتن فرآیند خصوصی سازی است و تصویب ماده ۹۴ نظام صنفی دقیقاً ناظر بر این امر است. آن پیش نیازها و یا پیش زمینه هایی که خاتمی در باره آنها توضیح می دهد، نیز چیزی جز پدید آوردن نیروی کار ارزان و مطیع برای سرمایه داران نمی تواند باشد. به علاوه، دولت با توجه به وضعیت ناهنجار اقتصادی کشور، برای تأمین منابع مالی خود از برنامه خصوصی سازی هم استفاده بسیار می کند. مسئولین وزارت امور اقتصادی و دارایی در آماری که اخیراً انتشار داده اند، تأکید می کنند برای تحقق در آمد های پیش بینی شده از راه واگذاری سهام دولت، امسال موفقیت های چشمگیری داشته اند، مطابق این آمار در آمد دولت از واگذاری سهام به بخش خصوصی از رقمی حدود ۵۰ درصد در کل سال ۸۱ به رقمی بالای ۷۱ درصد در ۹ ماهه اول سال جاری خورشیدی رسیده است. هم اکنون دولت در حال برنامه ریزی برای افزایش مقادیر بیشتری از سهام و واگذاری شرکتها به بخش خصوصی در ماه های باقی مانده سال است. یکی از مشاورین ارشد خاتمی در یک مصاحبه مطبوعاتی در خصوص برنامه واگذاری تصدی گری دولت به مردم (بخوان خصوصی سازی) عنوان کرده است، دولت تصمیم دارد مبلغ ۱۰ هزار میلیارد ریال سهام به عموم مردم (سرمایه داران) واگذار کند که، این رقم معادل کل برنامه خصوصی سازی در ۱۰ سال گذشته است و نشان می دهد که اراده لازم برای خصوصی سازی در دستگاههای دولتی به وجود آمده است. بنابر این، دولت با اجرای برنامه خصوصی سازی بخشی از کمبود های مالی خود را جبران می کند، آنها هم به حساب تیره روزی و فقر کارگران و زحمتکشان! در واقع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما به بهای نابودی امنیت شغلی خود و با زور و اجبار هزینه خصوصی سازی را به صندوق دولت می پردازند. در این باره حتی برخی از نمایندگان در هراس از شکل گیری جنبش گسترده اعتراضی و برای مهار زدن به آن به مصوبات ضد کارگری مجلس از جمله تصویب ماده ۹۴ نظام صنفی معترض هستند. سهیلا جلودارزاده اعتراف می کند: "باید از برخی انتقاد کرد که، رابطه کارگر و کارفرما را به رابطه شاگرد و استاد تشبیه کرده اند. در هر رابطه ای باید عدالت رعایت شود..." و یا تاج الدین، یکی دیگر از این نوع نمایندگان معترف می شود: "با تصویب این قانون، در

## ادامه با تصویب «ماده ۹۴»

آینده ای نه چندان دور شاهد حضور کارگرانی خواهیم بود که، از حداقل حقوق قانونی خود یعنی تأمین اجتماعی برخوردار نخواهند بود.» و البته این شگفت اور نیست، زیرا اصولاً برنامه های رژیم ولایت فقیه در مسایل کارگری و از جمله تصویب ماده ۹۴ نظام صنفی همین هدف یعنی ایجاد لشگری از نیروی کار ارزان و مطیع را برای انحصارات امپریالیستی تعقیب می کند.

با تصویب ماده ۹۴ نظام صنفی کشور، هر نوع حمایت قانونی برای اقدام به بیمه نمودن کارگران شاغل در صنف ها از میان برداشته می شود، به این معنا که، دیگر هیچ ضمانت قانونی در این خصوص وجود ندارد. با مصوبه فوق همچنین قسمت عمده یی از درآمد سازمان تأمین اجتماعی که از ناحیه کارگران شاغل در واحد های کوچک صنفی به دست می آمد، برای همیشه پایان می یابد. این مصوبه، پیش زمینه، اجرای برنامه های ضد کارگری آینده است. با توجه به طرح جدید دولت برای شتاب بخشیدن به برنامه خصوصی سازی زمزمه ممنوعیت بازرسی از واحدهای بزرگ صنفی در راه روهای مجلس و در میان وزیران به وضوح به گوش می رسد. مجلس ششم با تصویب ماده ۹۴ نظام صنفی نشان می دهد، در شرایط بغرنج کنونی نیروی غالب در میان طیف اصلاح طلبان حکومتی، در اجرای سیاست حفظ نظام با جناح ذوب در ولایت هم پیمان است. زیرا به نیروی متحد توده های محروم و سازمان دهی نیروهای اجتماعی برای طرد استبداد اعتقادی ندارد.

## ادامه اطلاعیه کمیته مرکزی حزب ...

از سوی نمایندگان متحصن از جمله ذکر شده است که: «این تحصن در خانه ملت به نمایندگی از همه آنانی است که مظلومانه آماج اتهامات ناشایست هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شورای نگهبان» قرار گرفته و به دلایل واهی و غیر مستند و به طریق غیر قانونی رد صلاحیت شده اند و دست شان به جایی و فریادشان به گوش کسی نمی رسد. اگر چه هنوز یک مرحله از تجدید نظر در بررسی صلاحیت ها توسط شورای نگهبان باقی است اما گستردگی رد صلاحیت ها توسط هیات نظارت مرکزی منصوب شورای نگهبان که به رغم همه اندرزها و هشدارهای نیروهای دلسوز بخصوص روسای محترم جمهور و مجلس صورت گرفته است و نیز مقاومت شورای نگهبان در برابر اصرار دولت و مجلس بر تصویب لوایح دو گانه که می توانست ضامن پیشگیری از چنین رخدادی باشد، چشم انداز روشنی از مرحله تجدید نظر باقی نگذاشته است. به همین دلیل ما راهی نیافته ایم جز آنکه خود اقدام کنیم و به نمایندگی از بخش بزرگی از ملت که حق ارزشمند و بزرگ انتخابات آزاد و عادلانه که دستاورد و ثمره یک قرن مبارزه و پایداری آنان در برابر استبداد بوده است را در معرض تهدید و تحدید می بینند در برابر این انحراف و بدعت ایستادگی کنیم و اجازه ندهیم اراده عده ای کوچک بر اراده ملت حاکم و انتخاب ملت محدود و محصور در سلیقه و انتخاب آنان گردد...»

جبهه مشارکت نیز که بخش بزرگی از نامزدهای انتخاباتی اش از جمله رد صلاحیت شدگان شورای نگهبان ارتجاع است با انتشار بیانیه یی از جمله اعلام کرد: «زیر سؤال بردن جایگاه قانونی مجلس با ردصلاحیت بیش از ۸۰ تن از نمایندگان مجلس ششم و هزاران داوطلب نمایندگی مجلس هفتم، تضعیف نهاد مجلس در نظام جمهوری اسلامی و بالطبع تضعیف ارکان جمهوریت این نظام و لطمه دار کردن اعتبار و وجه بین المللی کشور است. جبهه مشارکت ایران اسلامی با محکوم کردن این اقدام غیرقانونی تنش آفرین و مغایر مصالح ملی نکات زیر را یادآور می شود: ما با اعلام حمایت از اقدام شجاعانه و مسؤولانه نمایندگان اصلاح طلب مجلس در اعلام تحصن و پایمردی در احقاق حقوق تمام ردصلاحیت شدگان غیرقانونی، از آنان می خواهیم که تا حصول نتیجه در تجدیدنظر مراجع قانونی و بی اعتبار شدن ردصلاحیت های غیرقانونی داوطلبان اعم از نمایندگان فعلی و سایر داوطلبان از همه امکانات قانونی بهره گیری نمایند. دفاع نمایندگان از انتخابات آزاد و عادلانه و اعتراض آنان به ردصلاحیت

غیرقانونی و گسترده داوطلبان نمایندگی در حقیقت ایستادگی آنان در برابر «کودتای آرامی» است که با سوءاستفاده از فرصت بررسی صلاحیت ها در حال شکل گیری است. ما از همه اقشار، نخبگان، گروه ها، سازمانها و مجموعه های سیاسی و اجتماعی که در جهت استقرار دموکراسی در ایران تلاش می کنند می خواهیم که صدای اعتراض خود را در افشای این اقدام ضدحقوق بشری به گوش همگان برسانند.»

حزب توده ایران نیز، ضمن محکوم کردن اقدام آشکارا ضد مردمی شورای نگهبان ارتجاع حمایت قاطعانه خود را از همه حرکات اعتراضی، از جمله تحصن گروهی از نمایندگان مجلس، بر ضد این اقدام اعلام می کند. حزب ما از مدتی پیش اشاره کرده بود که مرتجعان حاکم می دانند که انتخابات دوره هفتم تنها خاکیز اول در روندی است که با انتخابات دوره بعد ریاست جمهوری و یا پیش از آن، با کنار رفتن خاتمی، باید به سرانجام مناسب یعنی پایان یافتن «عائله اصلاحات» برسد. سران رژیم با توجه به وضعیت بحرانی کشور و فشارهای خارجی تلاش دارند تا با مانورهای گوناگون تجربه انتخابات شوراهای شهر را تکرار کنند، یعنی در مجموع وضعیتی را پدید آورند که مردم از تأثیر گذاری خود در روند انتخابات نا امید شوند و مرتجعان با اتکاء به اقلیت محدودی که در اختیار دارند قوه مقننه را به دست بگیرند. ما همچنین تأکید کرده بودیم که مبارزه با این خواست ارتجاع از طریق موعظه و نصیحت امکان پذیر نیست. اصلاح طلبان حکومتی با اعلام غیر قانونی بودن چنین انتخاباتی و بسیج مردم می توانند گام های عملی را در مقابله با توطئه های ارتجاع بردارند. حرکت اعتراضی و تحصن شماری از نمایندگان مجلس هنگامی می تواند تأثیر بخش باشد که نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور در یک اقدام هماهنگ و سازمان یافته دامنه اعتراضات بر ضد این اقدام غیر قانونی را به سطح جامعه گسترش دهند و اجازه ندهند تا سران ارتجاع در تحقق نقشه های شوم خود موفق شوند.

حزب توده ایران بار دیگر ضمن محکوم کردن اقدام ضد مردمی شورای نگهبان همه نیروهای مردمی و آزادی خواه ایران و جهان را به اعتراض و مبارزه واحد بر ضد توطئه های ارتجاع فرا می خواند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۲ دی ماه ۱۳۸۲

## ادامه تحصن نمایندگان مجلس و عکس

### العملل های مختلف

با ادامه تحصن نمایندگان مجلس در اعتراض به رد صلاحیت هزاران نفر از نامزدهای انتخابات هفتمین دوره مجلس شورا، فضای پر تنش سیاسی کشور شاهد عکس العمل های گوناگون در برابر این حرکت بود. احمد ناطق نوری، از سران فراکسیون اقلیت مجلس، و از سخنگویان جناح «دوب در ولایت» در سخنان افشاگرانه بی اعتراض کرد که رد صلاحیت وسیع نامزدهای انتخاباتی به دلیل جلوگیری از شکل گیری یک «حکومت سکولار» در ایران بوده است. ناطق نوری در سخنانی که از خبرگزاری ایسنا پخش شد از جمله گفت: «عده بی از اصلاح طلبان سکولار به دنبال حذف حکومت دینی بوده و تلاش ها و حرکت های آنها به سمت شکل گیری یک حکومت سکولار پیش می رفت، لذا بخش عمده بی از رد صلاحیت های چهره های اصلاح گرایان به دنبال جلوگیری از توسعه سکولاریزم در جامعه بوده است.» ناطق نوری با ادعای اینکه رئیس جمهوری نیز شدیداً با توسعه سکولاریزم و شکل گیری یک حکومت ضد دین، «لذا جار و جنجال و هیاهوی برخی از اصلاح طلبان رد صلاحیت شده نیز نشان می دهد که آنها هنوز اصرار دارند تا به سمت حذف اعتقادات دینی مردم پیش رفته و یک حکومت سکولار را پایه ریزی کنند.» افزود: «ادامه تحصن نمایندگان با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری، توصیه های رئیس جمهوری و رئیس مجلس مبنی بر پایان یافتن تحصن؛ با انگیزه مظلوم نمایی صورت می گیرد اما مردم هوشیارتر از آنند که با این هیاهو فریب بخورند. ناطق نوری با اشاره به اینکه برخی از اصلاح طلبان همواره به ارزش ها حمله می کنند گفت: مردم با درایت کامل متوجه اوضاع هستند و وقتی می بینند چه کسانی و از چه کشورهایی از تحصن و اعتراض آنها حمایت می کنند، به روشنی به ابعاد دیگر این ماجرا پی می برند و هرگز اجازه شکل گیری یک حکومت سکولار را به آنها نخواهند داد.»

در همین حال در تهران اعلام شد که ۲۷۰ تن از روزنامه نگاران حمایت خود را از ادامه تحصن نمایندگان مجلس اعلام کرده اند. به گزارش سایت اینترنتی «امروز» در این بیانیه خطاب به نمایندگان متحصن در مجلس با اشاره به رد صلاحیت ها و تاثیرات آن بر انتخابات آمده است که «نقطه ثقل استراتژی برخی، اطمینان از عدم بروز واکنش قاطع در صفوف اصلاح طلبان بود، اما حرکت شجاعانه اصلاح طلبان اصیل مجلس و تاکید مکرر متحصنین به دفاع از «آزادی انتخابات» و نه منافع گروهی یا فردی خویش، ضربه ای عظیم بر پیکر سناریوهای نگاشته شده با فرض انفعال اصلاح طلبان وارد ساخته و در آذهان شهروندان سرخورده از اصلاحات و اصلاح طلبی، بارقه امید مجددی پدید آورد.» صادر کنندگان این متن در ادامه ابراز عقیده کرده اند که پس از گذشت چند روز از تحصن نمایندگان در مجلس، برخی برای شکستن عزم آنها به ترفندهای گوناگونی از تهدید و تحییب روی آورده و به دنبال تامین هدف قطع ارتباط تاثیرگذار افکار عمومی با متحصنین و بالعکس هستند و کلیه رسانه های تحت کنترل خود را برای جانداختن القائات جناحی، به خدمت گرفته اند.» نویسندگان این متن با بیان این که روزنامه نگاران اصلاح طلب از ابتدای زایش جنبش اصلاحی هزینه هایی متحمل شده اند، ادامه داده اند: «وظیفه خود می دانیم با تمام توان خویش، وظیفه ایجاد پل ارتباطی بین شهروندان و نمایندگان دلیرشان را بر عهده گیریم و علاوه بر این، از ارایه هر گونه حمایت عملی دیگر در هنگام ضرورت، ابایی نداریم. ما روزنامه نگاران پیگیر مطالبات شهروندان هستیم و به دلیل ارتباط مستمر با بدنه اجتماعی اصلاح طلب، بایستی یادآور شویم این حرکت افتخارآفرین نمایندگان را آفاتی نظیر سازش پشت پرده و عدول از اصل دفاع از حقوق «تمامی» نامزدهای ردصلاحیت شده غیرقانونی و عقب نشینی ناشی از ارعاب و تحییب تهدید می کند که در صورت تحقق بایستی «ختم اصلاحات» را اعلام کرد.» لازم به تذکر است که سید علی

خامنه بی در روزهای اخیر با توجه با بالا گرفتن حمایت اجتماعی از حرکت نمایندگان اصلاح طلب مجلس در سخنانی در حضور استانداران کشور به شورای نگهبان توصیه کرد که در رد صلاحیت ها، خصوصاً درباره نمایندگان رد صلاحیت شده مجلس تجدید نظر کنند. ادامه این مبارزه و پایداری نمایندگان متحصن در برابر ارتجاع و گسترش دامنه اعتراضات توده بی در برابر حملات ارتجاع به حقوق مردم کلید پیروزی و یا شکست نمایندگان اصلاح طلب در برابر ارتجاع تاریک اندیشان حاکم است.

### نیروهای ملی-مذهبی: باید به مبارزه تا حذف نظارت

#### استصوابی ادامه داد

بر اساس گزارش سایت «ملی - مذهبی ها» این گروه با انتشار بیانیه بی، ضمن حمایت از حرکت اعتراضی نمایندگان مجلس بر ضد شورای نگهبان ارتجاع خواهان ادامه این مبارزه تا حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان شد. در بخش هایی از این اعلامیه می خوانیم:

« حرکت اصلاح طلبانه مردم ایران که در دوم خرداد ۷۶ حاکمیت را مجبور به پذیرش رای عمومی و گشودن درهای نظام سیاسی کرد، باعث شد راست اقتدار طلب تا مدتی در افسردگی و یاس این ضربه نا به هنگام به سر برد. اما مماشائتها و خوش بینی های اصلاح طلبان که عمدتاً با حسن نیت نیز توام بود، در کنار منافع و اقتداری که به تدریج از کف جناح مردم ستیز می رفت سبب گردید تا دوباره شاهد بازسازی اقتدارگرایانه بخشی از حاکمیت و رویارویی اشکار آن ها با مطالبات مسلم مردم باشیم. هر چند متأسفانه از خرداد ۷۶ تا این لحظه فرصت های زیادی از دست رفته است اما در عین حال مجموعه انعطافهای صورت گرفته، حجت را بر راست افراطی به تمامت رسانده و دیگر هیچ کس نمی تواند ادعا کند که با افراط کاری و چپ روی یک فرصت تاریخی از دست رفته است، اکنون نیز که دیگر چند صباحی تا انتخابات مجلس هفتم باقی نمانده، علی رغم همه نصایح و تلاش هایی که صورت پذیرفت تا مگر با جلوگیری از رد صلاحیت های گسترده، همین فضای نیم بند و نیمه جان حفظ گردد، هیاتهای نظارت شورای نگهبان را بد صلاحیت های گسترده و حیرت آور نه تنها مطابق معمول از ورود اپوزیسیون قانونی به رقابت سیاسی و صحنه انتخابات ممانعت به عمل آورد، بلکه با تشخیص عدم صلاحیت کلیت جریان دوم خرداد از تائید صلاحیت بخش وسیعی از نمایندگان مجلس و برجسته ترین چهره های اصلاح طلب آن نیز خودداری نمود.» بیانیه در ادامه می افزاید: «ما جمعی از فعالان ملی مذهبی، ضمن حمایت از اقدام اخیر نمایندگان مجلس ششم مبنی بر تحصن و اعتراض نسبت به شیوه های هیئت های نظارت منتخب شورای نگهبان یاد آور می شویم که مسیر انتخاب شده، آن گاه واجد نتایج معنا دار خواهد بود که با پایداری پیموده شود و هدف عالی خود را حذف کامل شیوه های نا صواب مبتنی بر نظارت استصوابی قرار دهد. مسلماً این هدف نیاز به حمایت همه جریان های اصلاح طلب داخل ایران، از دولت و رئیس جمهور گرفته تا اپوزیسیون قانونی دارد. تردیدی نداریم که در صورت ایستادگی در برابر فشار های موجود و آمادگی برای پذیرش هزینه های احتمالی این راه، حداقل دستاورد حرکت اخیر، بی اعتباری تاریخی راست افراطی و به اتمام رسیدن سوخت ساختارهای ضد اصلاحات و دموکراسی خواهد بود.»

در میان امضاء کنندگان بیانیه اسامی زیر به چشم می خورد: مهندس حمید احراری محمد بسته نگار - مهندس محمد بهزادی - دکتر حبیب الله پیمان دکتر مسعود پدرام مهندس مجید تولابی - سعید درودی - دکتر علیرضا رجایی - دکتر رضا رئیس طوسی - دکتر حسین رفیعی بهمن رضا خانی - دکتر احمد زید آبادی - مهندس عزت الله سبحانی - حسین شاه حسینی - شهین علوی - اعظم طالقانی - محمود عمرانی - مهدی غنی - دکتر نظام الدین قهاری - مرتضی کاظمیان فاطمه گوارایی - مرضیه مرتاضی لنگرودی - محمد محمدی اردهالی - مهندس وحید میرزاده - دکتر محمد ملکی - سعید مدنی - دکتر محمود نکوروح - ناصر هاشمی

## سازمان بین المللی کار: حقوق اتحادیه های کارگری بخش جدایی ناپذیری از حقوق بشر است

سازمان های کارگری در سراسر جهان، امسال با بهره گیری از «روز حقوق بشر» به جامعه بین المللی این نکته را یادآور شدند که حقوق کارگران، از حقوق بشر، جدا نیست؛ اما این حقوق هنوز در مورد میلیون ها کارگر رعایت نمی شود. تضمین حقوق کارگری از محدودیت در قانون گذاری تا سرکوب وحشیانه، و حتی کشتار فعالان اتحادیه های کارگری را در بر می گیرد. در ژنو، «اتحادیه های جهانی» امسال همایش ویژه بی در مورد کلمبیا، که مخاطره آمیزترین کشور در جهان از لحاظ فعالیتهای اتحادیه بی است، برگزار کردند. این همایش روز ۱۹ آذر (۱۰ دسامبر) در تالار بزرگ سازمان بین المللی کار برگزار شد. فقط در سال ۲۰۰۲ میلادی ۱۸۴ عضو و فعال اتحادیه های کارگری در کلمبیا به قتل رسیده اند. بسیاری از اعضای این اتحادیه ها هنوز هم مرتباً تهدید به مرگ می شوند. یکی از آن ها گلوریا رامیرز، عضو رهبری مرکز اتحادیه های کارگری کلمبیاست که امسال در ژنو حضور پیدا کرد تا در رابطه با واقعیت حقوق بشر در این کشور شهادت بدهد. این بانو که پیشتر ریاست اتحادیه معلمان کلمبیا را به عهده داشته، اخیراً مجبور شده که کشورش را ترک کند، زیرا جاننش در معرض خطر قرار گرفته است. نمایندگانی از سازمان های بین المللی اتحادیه های کارگری، و نیز از «عفو بین الملل» نیز در همایش ویژه ژنو حضور یافتند، تا در میزگردی تحت عنوان «کشتار و فرار از مجازات در کلمبیا را متوقف کنید» شرکت کنند. همچنین یک هیأت بین المللی از نمایندگان اتحادیه های کارگری نیز، روز ۱۹ آذر (۱۰ دسامبر) در سفارت کلمبیا، در ژنو حضور یافت و نگرانی های خود در رابطه با ادامه نقض خشن و آشکار حقوق بشر و حقوق سندیکایی ابراز داشت. ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، به موازات بیان مطالبی دیگر، تصریح می کند که «هر کس حق دارد به منظور حفاظت از منافعتش، اتحادیه تشکیل دهد و عضو اتحادیه ها بشود». همین حقوق در کنوانسیون های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار نیز تصریح و تأمین شده اند. با وجود این، گزارش های اتحادیه کارگری نشان داده است که هر سال تعدادی از اعضای اتحادیه های کارگری به خاطر فعالیت های قانونی در اتحادیه های کارگری کشته می شوند. در گزارش تحقیقاتی امسال که توسط کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد جمع آوری و منتشر شده است، به نقض حقوق اساسی کارگران در زمینه های تشکیل و پیوستن آزاد به اتحادیه های کارگری و آزادی فعالیت های گروهی و اجتماعی و قراردادهای دسته جمعی در ۱۳۳ کشور اشاره شده است. در این گزارش اعلام شده است که در سال ۲۰۰۲ میلادی مجموعاً ۲۰۹ فعال اتحادیه های کارگری به قتل رسیده اند، یک هزار تن مورد حمله قرار گرفته و مضر و مجروح شده اند، ۲۵۶۲ تن از این فعالان بازداشت، ۸۹ تن از آن ها محکوم به زندان شده اند. علاوه بر این ها ۳۰/۰۰۰ تن از کار اخراج و حدود ۲۰/۰۰۰ تن مورد آزار و تبعیض قرار گرفته اند. کلمبیا از نظر اعمال خشونت برضد فعالان و رهبران اتحادیه های کارگری، در بالاترین ردیف قرار دارد. سازمان بین المللی کار بارها فرار عاملان این جنایت ها را از مجازات محکوم کرده است. سازمان بین المللی کار پیشنهاد کرده بود که به عنوان بخشی از موضوع همایش امسال در ارتباط با روز جهانی حقوق بشر در ۱۹ آذر (۱۰ دسامبر)، کمیسر عالی سازمان ملل در حقوق بشر باید با تأکید ویژه در مورد آزادی تشکیل سازمان های کارگری به روشنی به حقوق انسانی کارگران اشاره کند. خوان سوموایا، دبیرکل سازمان بین المللی کار، در نامه یی به برتراند رامچاران جانشین کمیسر عالی یادآور شده است که «سازمان بین المللی کار که متشکل از اجزای سه گانه نمایندگان دولت، کارفرمایان، و سازمان های کارگری از ۱۷۷ کشور عضو است، این اصل را پذیرفته است که حقوق انسانی کارگران در اولویت قرار دارد». گروه های دیده بان در سازمان بین المللی کار همواره در صدد آن هستند که نقض این حقوق را در سراسر جهان برملا کنند.

سازمان بین المللی کار مدت هاست که پذیرفته است که تقویت دموکراسی و حاکمیت مطلوب باید همراه با ارتقاء حقوق انسانی کارگران، به مثابه عنصر تجزیه ناپذیر حقوق بشر، و نیز همراه با ریشه کن کردن فقر از جامعه بشری باشد. «استانداردهای بین المللی کار، در کنوانسیون های سازمان بین المللی کار که رعایت آنها توسط دولت های امضاء کننده الزامی است، و نیز در توصیه هایی که به عنوان راهنمای قانون گذاری ملی به کار می روند، تصویب شده اند. فزون براین، دولت های عضو سازمان بین المللی کار تابع راهکار خاصی برای رسیدگی به موارد نقض آزادی اجتماعات مقرر در کنوانسیون های شماره ۸۷ و ۹۸ هستند و نیز با توجه به عضویت شان در سازمان بین المللی کار ناگزیرند به اصول و حقوق اساسی کار احترام بگذارند و آنها را ترویج بدهند و عملی کنند، که این شامل اقداماتی از جمله حذف تمام اشکال کار اجباری یا بیگاری، از میان برداشتن مؤثر کار کودکان و حذف هرگونه تبعیض در عرصه استخدام و انتخاب شغل است.

## همدردی کمونیست های جهان با قربانیان زلزله بم

گزارش ابعاد فاجعه آمیز تلفات انسانی زلزله شهر بم و تصویر صحنه های دلخراش آن، در مطبوعات جهان، در هفته های گذشته به موجی قدرت مند و پایدار از همبستگی و همدردی مردم و زحمتکشان در سراسر گیتی با قربانیان دامن زده است. احزاب کمونیست در تعدادی از کشورها با حمایت از کوشش های انسان دوستانه کمک رسانی و جمع آوری وسایل پزشکی و درمانی و سایر اقلام ضروری برای یاری به زلزله زدگان بم، بار دیگر زیباترین تجلی همبستگی بین المللی را به نمایش گذاردند.

متعاقب انتشار وسیع بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در محافل بین المللی، پیام های متعدد همبستگی و همدردی عمیقاً انسانی با قربانیان زلزله بم از سوی احزاب کمونیست- کارگری جهان و از جمله حزب کمونیست یونان، حزب مردم فلسطین، حزب کارگر بلژیک و حزب کمونیست آمریکا منتشر شده است. در نشریات ارگان برخی از احزاب برادر مقالاتی در توضیح تحلیل و برداشت های حزب توده ایران در رابطه با ابعاد وسیع ویرانی ها و نحوه برخورد عمیقاً نارسا و رسوا کننده مقامات رژیم ولایت فقیه منتشر شده است. در ادامه ترجمه متن پیام ارسالی حزب کمونیست آمریکا برای اطلاع خوانندگان نامه مردم منتشر می شود:

«به کمیته مرکزی حزب توده ایران،

حزب کمونیست ایالات متحده، عمیق ترین همدردی خود با مردم ایران، و حزب توده ایران، که از منافع زحمتکشان ایران حمایت می کند، در رابطه با ابعاد ویرانگر تلفات انسانی و تعداد زخمی شدگان زلزله فاجعه آمیزی که شهرستان بم را در روز ۵ دی ماه (۲۶ دسامبر) نابود کرد، ابراز می دارد.

ما با تمامی وجود در این لحظات به یاد تمامی آن خانواده هایی هستیم که زندگیشان از بنیان و برای همیشه عوض شده است. چنین فاجعه یی با چنین تلفاتی که تخمین زده می شود بیش از ۴۰/۰۰۰ نفر کشته و ده ها هزار نفر زخمی باشد، به طور ژرف بر همه عرصه های زندگی در کشورتان و از جمله بر مبارزه برای دموکراسی و عدالت اقتصادی و اجتماعی تأثیر خواهد گذاشت. در چنین لحظات دشواری برای همه ایرانیان، ما به یاد شما هستیم و به شما فکرمی کنیم.

با همبستگی

کمیته ملی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا.

## ادامه راه سومی وجود ندارد ...

در حل مسایل از طرق «قانونی» همان ثمری را خواهد داشت که ما در شش سال گذشته شاهد آن بوده ایم؛ ادامه حاکمیت مطلق ارتجاع و ادامه پایمال شدن حقوق اولیه مردم در زمینه های گوناگون، از جمله حق انتخاب آزاد نمایندگان مجلس. شماری از نمایندگان معترض مجلس، در رد درخواست خاتمی و کروبی، به درستی یاد آور شدند که، دوران سازش های پشت پرده به پایان رسیده است و دیگر بیش از این نمی توان در برابر تهاجمات و قلدرمنشی مرتجعان حاکم سکوت کرد. واقعیت نیز غیر از این نیست. با توجه به تجربیات شش سال گذشته روشن است که راه سومی وجود ندارد یا باید در برابر تهاجمات ارتجاع ایستادگی کرد و با گسترش مبارزه به درون جامعه و بسیج نیروهای مردمی آن چنان شرایطی را پدید آورد که ارتجاع وادار به عقب نشینی و تسلیم گردد، و یا باید به خواست های ارتجاع تن داد، و با سازش و خیانت به حقوق مردم راه تسلیم را در پیش گرفت. از مجموعه موضع گیری های خامنه ای و دیگر سران ارتجاع روشن است که هدف ایجاد چند دستگی و تضعیف حرکت اعتراضی کنونی، و حرکت خزننده به سمت برگزاری یک انتخابات فرمایشی برای تحقق خواست های ارتجاع است. شورای نگهبان می تواند با برخی مانورها، همچنان که قبلاً نیز چنین کرده است، در روند باز بینی ها شماری از رد صلاحیت شدگان، از جمله بخش وسیعی از ۸۰ نماینده کنونی مجلس را تأیید صلاحیت کند، و بدین ترتیب وضعیتی را پیش آورد که نیروهای «معتدل» با تذکر ضرورت در نظر گرفتن «حفظ منافع نظام در مقابل خطر خارجی» خواهان پایان یافتن «غائله» و شرکت در انتخابات شوند. آنچه مسلم است این است که بدون لغو همه هزاران رد صلاحیتی که صورت گرفته است و لغو عملی نظارت استصوابی شورای نگهبان ارتجاع بر روند انتخابات مجلس مردم و نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور حاضر نخواهند بود تن به انتخاباتی بدهند که در چارچوب خواست های مرتجعان حاکم برقرار شود. ما قبلاً نیز اشاره کرده بودیم که انتخابات ابزار بیان اراده مردم در انتخاب قوه قانون گذار کشور است و در صورتی که شرایط و نحوه برگزاری آن عدم تحقق خواست و اراده مردم را تحمیل کند، شرکت در آن نمی تواند جز ایجاد وجاهت قانونی و مشروعیت برای مرتجعان حاکم ثمری داشته باشد. انتخاب مجلسی وابسته به دستگاه رهبری رژیم همچون مجلس چهارم و پنجم انتخاب نهادی است که وظیفه و هدفش ابزار خفقان و سرکوب قانونی است. قوانین و لوایح ضد انسانی بی همچون «تعزیزات اسلامی»، تقسیم خدمات درمانی بر اساس جنسیت، اعزام چاقو کشان بسیج به دانشگاه های کشور، محدودیت شدید و بیش از پیش حقوق مطبوعات و همچنین خارج کردن کارگاه های کمتر از ده نفر از شمول قانون کار از جمله یادگار های مجلس های ارتجاعی و ضد مردمی گذشته است و تلاش امروز مرتجعان حاکم نیز به قصد فراهم کردن زمینه های بازگشت به چنان دورانی است. همچنان که در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب ما، ۲۳ دی ماه، نیز اشاره شده بود باید با تشدید و گسترش مبارزه و سازمان دهی حرکت های اعتراضی توده ها ارتجاع حاکم را به تسلیم و عقب نشینی وادار کرد. تجربه های گذشته نشان داده است که، جنبش مردمی در صورت حرکت سازمان یافته و یکپارچه این توان را دارد که خواست خود را به کرسی بنشانند و راه را به سمت تحولات مهم بعدی بکشایند.

## ادامه افغانستان: سرپل دست یابی به ...

افراطی، در افغانستان بوجود آوردند. انتظار می رفت تا طالبان همچنان از کمک های ایالات متحده برخوردار شوند، اما پس از فروپاشی اتحاد شوروی، ایالات متحده دیگر چندان نیازی به طالبان را حس نمی کرد، تا آنجا که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و پس از سال ها خوش خدمتی، طالبان و بن لادن در لیست مقدم حملات نظامی آمریکا قرار گرفتند. «مایکل میچر»، یکی از اعضای حزب کارگر انگلستان و نماینده مجلس این کشور و یکی از وزرای سابق دولت تونی بلر، در این مورد می گوید که دولت آمریکا، دولت طالبان را به عنوان یک رژیم ثبات دهنده در آسیای مرکزی می دید که می توانست امکان لازم را در ساخت لوله های نفتی برای انتقال ذخایر نفت و گاز از ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان به افغانستان و از آنجا به پاکستان و اقیانوس هند فراهم کند. اما با عدم قبول شرایط آمریکا از طرف طالبان، نمایندگان دولت آمریکا به طالبان گفتند که یا شرایط آمریکا را می پذیرند و یا این که به زیر فرشی از بمب ها کشیده خواهند شد. (گاردین ۶ سپتامبر ۲۰۰۳)

افغانستان کوتاه ترین راه برای انتقال گاز و نفت آسیای مرکزی به اقیانوس هند است و در شرایط عدم حضور اتحاد شوروی و در ادامه سیاست های آمریکا در مورد سرکردگی جهانی و در اختیار گرفتن منابع نفتی جهان و به ویژه ذخایر عظیم نفتی در آسیای مرکزی، یک حکومت مطیع و «با ثبات» در افغانستان، یکی از بزرگترین هدف های آمریکاست. ذخایر نفتی کناره دریای خزر یکی از غنی ترین ذخایر نفتی جهان هستند که ارزش آن ها برابر با ۴ تریلیون دلار تخمین زده می شود. اما در دید امپریالیست ها این ذخایر تا زمانی که استخراج نشده و به فروش نرسیده اند، فاقد ارزش هستند. از این رو، امریکا علاوه بر تقویت حضور همه جانبه سیاسی در منطقه، پایگاه های نظامی خود را در جمهوری های سابق اتحاد شوروی، از جمله در ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان نیز ایجاد کرده است.

در شرایطی که ژنرال پرویز مشرف در پاکستان، با تصویب قوانین جدید در مجلس این کشور، به قدرت مطلق تبدیل شده است، در افغانستان نیز حکومت مطلقه دیگری در حال تکوین است که در همیاری با رژیم دست راستی پاکستان، می تواند آرزوی آمریکا را برای به دست گرفتن شریان اقتصادی این منطقه و دست یابی و کنترل ذخایر نفتی آسیای مرکزی تحقق بخشند. آمریکا ماشین جنگی خود را با قدرت تمام و بطور همه جانبه ای به کار انداخته است تا کنترل بلامنازع خود بر منابع انرژی و بازار های تمامی منطقه را تثبیت کند. تلاش آمریکا برای دست یابی به این ذخایر و استخراج آن ها نمایشگر حرص و آز سیری ناپذیر سرمایه داری برای بدست آوردن سود های نجومی است. امپریالیسم جهانی بار دیگر نشان می دهد که حاضر است تا با خشن ترین شیوه ها، در این راه با کمک به نیروهای مرتجع و حکومت های مطلقه، هر حرکت و صدای معترضی را سرکوب کند. این سرشت واقعی سرمایه داری است که در راه کسب سود بیشتر حاضر است تا هر قانون انسانی، اجتماعی و بین المللی را زیر پا بگذارد.

## تبریک و تهنیت آمریکا!

جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا، در پیامی، بلافاصله پس از پایان لویه جرگه، از تصویب قانون اساسی در افغانستان استقبال کرد و آن را پیشبرد دموکراسی در این کشور خواند. اما تصویب قانون اساسی جدید در افغانستان، آیا حرکتی به سوی دموکراسی بود و یا طرحی از سوی آمریکا برای مسلط شدن هر چه بیشتر در منطقه؟

در حال حاضر بیش از ۱۱/۷۰۰ سرباز آمریکایی، افغانستان را اشغال کرده اند. دولت دست نشانده «کرزای» به نمایندگی آمریکا، امور کشور را در اختیار دارد و به دلیل بیش از دو دهه جنگ های داخلی و خارجی، ارتش، پلیس و سیستم قضایی کشور از هم پاشیده است. آمریکا تلاش دارد تا با تکیه بر نیروی نظامی خود، «دموکراسی» مورد نظر خود را در افغانستان پیاده کند و به «استقلال» آن کمک کند.

در پی افزایش درگیری های نظامی در افغانستان و به ویژه پس از باز سازی نیروهای طالبان، (نیروهایی که تا چندی پیش از سوی آمریکا پشتیبانی می شدند اما امروز به عنوان یکی از اهداف به ظاهر اصلی جنگ آمریکا بر ضد تروریسم مطرح هستند)، و عدم توافق بین نیروهای مختلف سیاسی و قبیله ای در مورد قانون اساسی جدید، دونالد رامسفلد، وزیر امور دفاع آمریکا در اوایل دسامبر به افغانستان سفر کرد تا دستورات خود را به کرزای و نیروهای نظامی آمریکا در مورد آینده افغانستان ابلاغ کند.

دولت «انتقالی» کرزای با بحران شدید داخلی روبه روست، بحرانی که ناشی از به دست گرفتن قدرت مطلقه توسط او و با حمایت آمریکا است. آمریکا خواستار رژیم مطلقه و دادن قدرت بسیار به رئیس جمهور در افغانستان است، در حالی که سایر گروه ها و قبایل افغانی، خواستار تقسیم قدرت و دادن آن به دست مجلس هستند تا بتوانند قدرت رئیس جمهور را محدود کنند.

پس از دیدار رامسفلد از افغانستان، سرانجام «لویه جرگه»، مفاد قانون اساسی را تحت فشار آمریکا، به تصویب رساند. با تصویب قانون اساسی جدید، شرایط لازم برای هر چه سریع تر برگزار شدن انتخابات ریاست جمهوری، مهیا شده است. از هم اکنون مشخص است که در انتخاباتی که قرار است در خردادماه آینده انجام شود، به دلیل عدم وجود فرد شناخته شده ای به عنوان رقیب انتخاباتی برای کرزای و پشتیبانی «پشتوها» از کرزای، به احتمال فراوان او در انتخاباتی فرمایشی به عنوان رئیس جمهور افغانستان، منصوب خواهد شد. روند تدارک انتخابات و از جمله صدور کارت شناسایی برای رای دهندگان و تعیین محدوده حوزه های انتخاباتی، به کندی پیش می رود. بنا به آمار اعلام شده، در سراسر افغانستان، تاکنون تنها سیصد و بیست هزار نفر از واجدین شرایط در انتخابات ثبت نام کرده اند که بیست و پنج درصد آنها را زنان تشکیل می دهند.

در خلال سال های ۸۰، طالبان، بن لادن و دیگر گروه های ارتجاعی، بیش از ۸ میلیارد دلار از آمریکا دریافت کردند تا جنگ بزهکارانه و کثیف خود را بر ضد حکومت ترقی خواه افغانستان ادامه بدهند. در پی سقوط حکومت مردمی در سال ۱۹۹۲ و پس از چهار سال جنگ های داخلی و خون ریزی، سرانجام در سال ۱۹۹۶ «طالبان» قدرت را به دست گرفت و تحت حمایت همه جانبه نظامیان و دستگاه امنیتی پاکستان حکومتی به غایت ارتجاعی، با قوانین خشن مذهبی

## افغانستان: سر پل دست یابی به منابع

### نفتی آسیای مرکزی

رسانه های بین المللی وابسته به امپریالیسم، پس از سه هفته جار و جنجال در مورد جاری شدن «دموکراسی» و متمرکز کردن پوشش خبری خود بر روی نمایش افصح آمیزی که تحت عنوان «لویه جرگه» در کابل جریان داشت، تصویب قانون اساسی جدید افغانستان را بشارت دادند! با توجه به برخی اظهارات مسئولان اصلی سیاست گذاری آمریکا، این بعید نیست که «لویه جرگه» و محصول آن به مدلی برای تعیین نظام حکومتی در عراق و دیگر کشورهای منطقه گزیده شود.

در لویه جرگه دو گرایش اساسی، جانب داری از «نظام ریاستی» که حامد کرزای، رئیس دولت انتقالی افغانستان و نماینده مستقیم منافع محافل حاکمه انگلیس و آمریکا، از آن جانب داری می کرد، و طرفداری از یک نظام «پارلمانی اسلامی» که فرماندهان منطقه ای و مجاهدین سابق از آن جانب داری می کردند، رو در روی یکدیگر قرار داشتند. کوشش کرزای به پنهان کاری و سعی به زد و بند های پشت پرده و بدور از چشم مردم افغانستان در روند تهیه پیش نویس قانون اساسی و از جمله انتخاب اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی و شیوه تهیه پیش نویس این قانون، عملاً لویه جرگه را به صحنه مبارزه قبایل و طوایف مختلف افغانستان و نیز عملکرد فعال نمایندگان دولت های امپریالیستی بدل کرده بود.

حضور رهبران مجاهدین در دولت و در نهاد های محلی و همچنان در لویه جرگه و اعمال نفوذ آنها باعث شده بود تا در بندهای گوناگونی از پیش نویس قانون اساسی مساله دین و جایگاه آن در نظام تا جایی تأکید شود که عملاً حامد کرزای و طرفداران خط آمریکا را به وحشت بیندازد. برهان الدین ربانی، عبدالرسول سیاف و ژنرال دوستم که از رهبران پیشین مجاهدین و خواهان قدرت بیشتر در حکومت آینده هستند، گرایش مخالف نظرات حامد کرزای را رهبری می کردند. یکی از موضوعات جنجال برانگیز و خبرساز روز نوزدهم لویه جرگه، مخالفت و پرخاش صبغت الله مجددی رییس لویه جرگه به ۱۵۱ نماینده ای بود که پیشنهاد حذف پسوند اسلامی از نام دولت افغانستان را مطرح کردند. مجددی که برای دومین بار در طول ریاستش بر لویه جرگه، حکم به تکفیر برخی از نمایندگان مردم را می داد، پیشنهاد حذف پسوند اسلامی را از دستور کار خارج کرد و نمایندگان پیشنهاد دهنده را نیز تهدید به برخورد کرد. یکی از نکات بسیار آموزنده در جریان لویه جرگه، تصمیم آن به تشکیل کمیسیون نظارت بر قانون اساسی یعنی نهادی همپایه شورای نگهبان رژیم فقهاتی در همسایه غربی افغانستان و مخالفت با ایجاد دادگاه عالی قانون اساسی به مثابه یکی از نهاد های این قانون اساسی بود. این تصمیم لویه جرگه که تحت نظارت مشاوران آمریکایی حامد کرزای برگزار می شد و مورد موافقت آن ها قرار داشت، عیار واقعی دموکراسی مورد نظر دولت بوش در کشورهای منطقه را به خوبی نشان می دهد. گرچه لویه جرگه با پیروزی طرفداران نظام ریاستی پایان پذیرفت، ولی مخالفان کرزای موفق شدند که با خارج کردن انحصار سیاست خارجی از دست رئیس جمهوری، و برخی امتیازات دیگر نقطه نظرهای خود را به کرسی بنشانند.

## در واشنگتن چه کسانی حکومت می کنند؟

### حمله به عراق، پیش از ۱۱ سپتامبر برنامه ریزی شده بود!

#### کتاب افشاگرانه «پل اونیل»، وزیر سابق خزانه داری دولت بوش، درباره

##### واقعیات پشت پرده

به گزارش رویتر، وزیرپیشین خزانه داری آمریکا، پل اونیل، در کتابی که به تازگی منتشر شده است، پرزیدنت بوش را متهم می کند که از همان ژانویه ۲۰۰۱ که بر مسند ریاست جمهوری نشست، هدف حمله به عراق را داشت و در پی راهی برای انجام این مقصود بود. اونیل با طرح گوشه هایی از نحوه عملکرد دولت کنونی آمریکا، کنترل همه جانبه برخی از اطرافیان جورج بوش بر سیستم تصمیم گیری های مهم را افشاء می کند. اظهارات اونیل در عمل آن دسته از افشاگری ها در رابطه با نفوذ همه جانبه و بلامنزاع گروهی از مرتجع ترین مهره های سیاسی حزب جمهوری خواه و از جمله پل ولفوویتز، رامسفلد، دیک چنی در تصمیم گیری های عمده دولت بوش و از جمله سیاست های نظامی گری و جنگ افروزی اثبات می کند. اونیل، که در دسامبر ۲۰۰۲ در جریان تغییراتی در تیم اقتصادی بوش از سمت وزارت بر کنار شده بود، نخستین مطلع داخلی مهم در دولت بوش است که حمله به رئیس جمهوری را آغاز کرده است.

اونیل در بخشی از مصاحبه خود با کانال تلویزیونی سی بی اس آمریکا، که در آن کتاب بهای وفاداری نوشته ران ساسکایند، خبرنگار پیشین وال استریت ژورنال معرفی می شد، در اشاره به نقش کم تاثیر رئیس جمهوری، حضور بوش در جلسه های کابینه دولت را به «یک مرد نابینا در اتاقی پر از ناشنوا» تشبیه کرد.

بوش برای شروع جنگ با عراق، این طور استدلال می کرد که عراق دارای سلاحهای کشتار جمعی است و در دنیای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، می بایست آن را متوقف کرد. اما این سلاحها هرگز پیدا نشدند! اونیل در مصاحبه با برنامه تلویزیونی ۶۰ دقیقه بی روز یکشنبه ۲۱ دی ماه (۱۱ ژانویه ۲۰۰۴)، گفت: «از همان لحظه اول این حکم صادر شده بود که صدام آدم بدی است و باید برود. ولیکن به باور من، پیشدستی در حمله، و این که آمریکا یکجانبه حق دارد هر کاری که ما تصمیم می گیریم بکند، گام پرشی واقعاً بزرگی است.» به گفته کانال تلویزیونی سی بی اس آمریکا، وزیر پیشین خزانه داری و جمعی دیگر از مطلعین داخلی کاخ سفید، اسناد و مدارکی در اختیار ساسکایند گذاشتند که نشان می دادند در سه ماهه اول سال ۲۰۰۱، دولت بوش در حال بررسی راه های گوناگون نظامی برای بر کنار کردن صدام حسین از قدرت بوده است. به گفته ساسکایند در گفتگو با سی بی اس، یادداشتهای فراوانی وجود دارند، که عنوان یکی از آنها، که به مهر «سری» ممهور است، برنامه برای دوران پس از صدام است. او همچنین گفت که در یکی از اسناد پنتاگون زیر عنوان متقاضیان خارجی برای قراردادهای میدانهای نفتی عراق از پیمانکاران ۴۰ کشور جهان و این که کدام آنها منافعی در عراق دارند، صحبت شده است. در کتاب بهای وفاداری، از اونیل نقل قول شده است که رئیس جمهوری مصمم بود دلیلی برای جنگ پیدا کند و او تعجب می کرد که چرا هیچ کس در شورای امنیت ملی نمی پرسید که چرا باید به عراق حمله کرد؟ به گفته اونیل کل قضیه، فقط پیدا کردن راهی برای انجام این کار بود. لحن کلام همین بود. رئیس جمهور می گفت بگردید و راهی برای انجام این کار برای من پیدا کنید.

اسکات مک کلان، سخنگوی کاخ سفید، اظهارات اونیل را رد کرد. او اظهار داشت: «ما از خدمات او [اونیل] قدردانی می کنیم. و اگر چه کار ما بررسی و نقد کتاب نیست، ولی به نظر می رسد از دید آقای اونیل، دنیا بیشتر حول تلاش برای توجیه عقاید خود ایشان می گردد تا نگاه به واقعیت نتایجی که ما، از طرف مردم آمریکا، به دست می آوریم.»

هاورد دین، کاندیدای اصلی حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری آینده نیز بوش را متهم کرد که از بهانه های سؤال برانگیز برای توجیه جنگ با عراق استفاده کرده و می کند. او در یکی از بیانیه هایش گفت «مردم کشور حق دارند بدانند - و رئیس جمهور باید پاسخ بدهد - که چرا درباره علل لزوم جنگ با عراق، اطلاعات گمراه کننده و ساختگی به مردم داده شد. نظرات اونیل تأکیدی بر اهمیت همیشگی این واقعیت است که باید به این سؤالهای بی جواب، پاسخ داده شود.»

اونیل همچنین گفت که در نخستین نشست تک به تک رئیس جمهور با او، که یک ساعت به طول کشید، بوش حتی یک سؤال هم از او نپرسید. او گفت من با لیست بلندی از مسائلی که می خواستم با او در میان بگذارم و نظرش را بپرسم، به این جلسه رفتم. من از این حیرت زده شدم که این من بودم که صحبت می کردم و او فقط گوش می داد. این در اساس یک مکالمه یک طرفه بود. در گفتگو با برنامه تلویزیونی ۶۰ دقیقه، اونیل گفت که عدم مشورت با مشاوران نظیر او از سوی رئیس جمهور، آنها را در وضعیت کمی بهتر از حدس و گمان درباره آنچه رئیس جمهور احتمالاً فکر می کند قرار می داد. در کتاب ساسکایند، که عنوان کامل آن بهای وفاداری: جورج دبلیو بوش، کاخ سفید، و آموزش پل اونیل است، از مصاحبه های اونیل و تعدادی از مطلعین داخلی کاخ سفید، و از ۱۹۰۰۰ سند ارائه شده از سوی اونیل استفاده شده است.

اونیل که بر پایه شهرت خود به عنوان یک «مدیر اجرایی محکم و یاهو گریز» از سوی جورج بوش به سمت وزیر اقتصاد گمارده شد، در یک دوره دو ساله دشوار در واشنگتن، با دولت بوش همکاری کرد و در اواخر سال ۲۰۰۲ میلادی به دلیل عدم توافق در زمینه کاهش های مالیاتی همه جانبه کمپانی های بزرگ و همچنین اعمال تعرفه بر روی واردات فولاد با سیاست اعلام شده از سوی جورج بوش، از کار بر کنار شد. اونیل در رابطه با کتاب «بهای وفاداری: جورج دبلیو بوش، ...» گفت: «ایده آل این خواهد بود که این کتاب مردم را به تعمق در مورد وضعیت کنونی روند سیاست گذاری در کشور وادارد، و اینکه انتظار ما را در باره آنچه که ممکن است، بالا ببرد.»

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 678**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

20 January 2004

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام: IRAN e.V. #####  
شماره حساب: 790020580#####  
کد بانک: 10050000#####  
بانک: Berliner Sparkasse